

جنسیت و آگاهی تاریخی

دکتر عباس محمدی اصل



نشر گل آذین

تأسیس ۱۳۷۷

فهرست مطالب

۹	سخنی با خواننده
۱۳	مقدمه
۳۳	تعبیر جنسیت
۴۴	دیرینگی جنسیت
۷۵	انیمای جنسیت
۷۵	نشانه‌های زنانه ضمیر ناخودآگاه
۷۷	خاستگاه کهن‌الگو
۷۹	تبلور کهن‌الگو
۸۱	روح زنانه کهن‌الگو
۸۳	نمادگرایی زنانه
۸۶	راز زنانه
۸۷	کارکرد زنانگی
۹۰	پویایی کهن‌الگو
۹۲	عناصر زنانگی
۹۳	الهگان اسطوره‌ای
۹۸	ویژگی‌های مثبت زنانه
۱۰۰	ویژگی‌های منفی زنانه
۱۰۳	استقلال از روح زنانه
۱۰۶	اله نباتات

۱۰۸	الهه وحوش.....
۱۱۰	مهر کهن‌الگو بر ضمیر.....
۱۱۲	جاذبه و شیدایی و پایایی.....
۱۱۶	تجربه زن از خود.....
۱۱۹	تبار جنسیت.....
۱۲۱	جنسیت و نان.....
۱۳۲	جنسیت و نقاب.....
۱۳۵	جنسیت و شطرنج.....
۱۳۹	جنسیت و نقشه شهر.....
۱۴۱	جنسیت و آدینه.....
۱۴۳	جنسیت و سوگ سیاوشان.....
۱۴۸	جنسیت و کیمیا.....
۱۶۳	جنسیت و برزخ.....
۱۶۵	جنسیت و اشراق.....
۱۷۲	جنسیت، پرستش و قانون‌گریزی.....
۱۷۵	آینده جنسیت.....
۲۰۶	موخره.....
۲۰۸	سوژه سیال زن.....
۲۱۰	ویژگی‌های متفاوت زن.....
۲۱۳	مخاطرات ذات‌گرایی.....
۲۱۵	قدرت و سلطه.....
۲۲۰	مقاومت جنسیتی.....
۲۲۴	سیاست نقد.....
۲۲۷	منابع:.....

تعبیر جنسیت

فرایند یا دوره‌ای تاریخی هرگز موضوع معین یگانه اندیشه نیست؛ بل تنها با سوالی که درباره آن عنوان می‌کنیم چنین می‌شود. طبق سوالی که عنوان می‌کنیم، آنچه عادت داریم چونان رخداد یگانه تاریخی تلقی کنیم، می‌تواند به هر تعداد از موضوعات متفاوت اندیشه تبدیل شود. فردریک فون‌هایک

هر چیز و از جمله جنسیت، تعبیرپذیر است. از آنجا که سخن گفتن از جنسیت ممکن است؛ پس می‌توان به شکل‌گیری سخن از جنسیت و تحول آن اذعان نمود و تعبیرپذیری اجتماعی-تاریخی آن را مبرهن داشت. قابلیت بیان سخن در باب رویداد جنسیت مبین نظمی کارکردی در نظام اجتماعی است که حفاظت از نظم جنسیتی را در حافظه و رفتار کنشگران تداوم می‌بخشد و بازفعال‌سازی و تصاحبش را نیز به قرینه امکان اصلاح و تغییرپذیری آن پیش می‌نهد. در پارادایم‌های متفاوت وجودی نظیر پارادایم‌های زن‌محور و مرد-پدرسالار، حدود سخن از جنسیت در گفتمان‌های عمومی و خصوصی فرق می‌کند و معلوم می‌شود چه سخن‌هایی در باب جنسیت ادامه حیات می‌دهند و ناپدید می‌شوند و مورد استفاده مجدد قرار می‌گیرند و سرکوب یا سانسور می‌شوند و چه شرایطی برای بیان جنسیتی معتبر و مشکوک و نامعتبر به شمار می‌آیند و چه روابطی میان نظام سخن‌های جنسیتی کنونی و گذشته وجود دارد یا بین گفتمان‌های فرهنگ خودی/غیرخودی و بومی/یگانه راجع به جنسیت چه شباهات و تمایزاتی دیده می‌شود و بالاخره چه افراد و گروه‌ها و طبقاتی به انواع خاص گفتمان‌های جنسیتی دسترسی دارند. هدف تحلیل گفتمان جنسیتی اما نه عیان‌سازی معنایی پنهان و ژرف یا

جستجوی خاستگاه و ریشه گفتمان مزبور در ذهنی خاص یا سوژه‌ای بنیانگذار که ثبت شرایط وجود گفتمان جنسیتی و عرصه عملی کار بست آن است.

نوآوری و بدعت در نظم جنسیتی بی تحلیل تناقض‌های آن بر حسب توصیف‌های تطبیقی تمدن‌های زن‌محور و مرد-پدرسالار ممکن نبوده و این مهم نیز منوط به تقویم و ترسیم دگرگونی‌هایی است که از دگرگونی تمدن‌های مزبور حاصل آمده و همچنان ادامه دارد. اصالت/ابتدال یا سنت/نوآوری در این عرصه نه مفاهیمی متمایزکننده که جوانبی از الگوهای منظم سخنانی جنسیتی به شمار می‌آیند که قابل بررسی می‌نمایند. تناقض‌های سخنان جنسیتی هم شاخص انسجام‌های زیرین معطوف به نشانگان کهن‌الگوهای چون کهن‌الگوی مادر کبیر و سازماندهی تکوین گفتمان جنسیتی در این پرتو بوده و تحلیل و توصیف آینده‌ای ممکن از بی‌سالاری جنسیتی را چشم دارد. در این راستا نه عیان‌سازی پیوستگی و استمرار فرهنگ جنسیتی و تفکیک مکانیسم‌های علی آن که تنوع بخشی و گونه‌گونی به این فرهنگ مد نظر است تا تکثرگرایی در فرهنگ جنسیتی جایگزین وحدت بخشی و وحدت‌اندیشی و وحدت‌گویی در این عرصه شود. تعبیر وجودی گفتمان جنسیت بدان روی تن به تحلیل و توصیف می‌دهد که برآیند چنین گفتمانی از کارکردهای نهادینه فرایندهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود و در سطح خاصی برملا می‌گردد. در این چهارچوب است که تاریخ مذكر می‌تواند جایی به انواع معین گفتمان جنسیتی بدهد که هر یک تاریخیت مختص خویش را داشته و به کل مجموعه تاریخیت‌های گوناگون جنسیتی مربوط شده و از همین جهت در تغییر اوضاع به سمت بی‌سالاری در عصر جهانی شدن تأثیری قاطع بر جای می‌نهند. نگاه در زمان و هم‌زمان به گفتمان جنسیتی حاوی تعاملات کارکردی این گفتمان با کل نظام اجتماعی و البته بی‌فرض روند واحد و ناگزیر برای رویدادهای آن است. تعبیر جنسیتی از جریان آگاهی یا روند خطی زبان نیز دامن می‌کشد تا گسست‌ها و شکاف‌ها و انشعابات و پیدایش گفتمان‌های نوین جنسیتی را متوقع باشد. تحلیل انواع چندگانه دگرگونی‌های جنسیتی به برداشت نامتمایزی از تغییر جنسیتی ختم می‌شود؛ زیرا چنین تحلیلی می‌تواند نظام دگرگونی‌هایی را مشخص دارد که سازنده تغییرند.

اژه‌های تحلیل گفتمان جنسیتی، بانی شالوده‌ای هستند که پیکره معرفت جنسیتی بر آن جوانه زده و می‌تواند گفتمانی علمی در این عرصه بار آورد. این بدان جهت است که علم مذكر با قواعد تامل و روایت و مقررات نهادی و تصمیمات سیاسی و سرمایه‌گذاری‌های

اقتصادیش، خود از چهارچوبی معرفتی در پارادایم مرد-پدرسالار برمی‌خیزد که با پیدایش گفتمانی علمی در باب جنسیت ناپدید نمی‌شود. عملکرد علم جنسیتی در قلمرو معرفت مذكر مبین اجازت مردسالاری و مقاومت پدرسالاری در برابر گفتمان علمی جدیدالتاسیس جنسیت بوده و هنوز نمی‌توان فردیت‌یابی چنین گفتمانی را به لحاظ عدم کار بست نظام واحدی برای تشکیل سخنان جنسیتی انتظار داشت. به محض اینکه دعاوی اعتباربخشی و هنجارهای واریسی و انسجام به کمک مجموعه‌ای از سخنان جنسیتی تدوین شوند، چونان مدلی از معرفت جنسیتی خواهند توانست ریختار گفتمان جنسیتی را از آستانه معرفت‌شناختی مذكر عبور دهند. آستانه علم‌بودگی جنسیت هنگامی پشت سر گذاشته می‌شود که پیکره معرفت‌شناسانه برساخته از جنسیت بامعیاری‌های صوری یا قوانین حاکم بر تکوین گزاره‌های علم جنسیت تطبیق کند و این آستانه صوری شدن هنگامی پشت سر نهاده می‌شود که گفتمان جنسیت بتواند اصول موضوعه و عناصر و ساخت‌های گزاره‌ای و تبدلات آن را تعریف کند.

صوری شدن تاریخ جنسیت چنان متجلی می‌شود که در آن بازیابی و جایگذاری پیوسته رویدادهای جنسیتی گذشته، بخش ضروری و سازنده فرایند رشد و توسعه جنسیت می‌نماید؛ به نحوی که گذشته نظم جنسیتی زنان جز موردی خاص و مدلی ناشیانه و طرحی ناقص و تعمیم نیافته از نظریه انتزاعی‌تر و نیرومندتر مذكرسالاری جلوه نمی‌کند. علم‌بودگی جنسیت در این شرایط با خط سیر پیدایش جنسیت‌شناسی از شالوده‌ای غیرجنسیتی یا همان شرایط پیش‌برنده و بازدارنده رشد و توسعه‌اش حکایت دارد که معرفت‌شناسی جنسیتی را بر حسب تضادها و تمایزات حقیقت/خطا، عقلانیت/عقلانیت، علم/غیر علم ساخت می‌دهد. بالاخره کارکردهای گفتمانی عصر مدرنیته موجب پیدایش معرفتی جنسیتی شده‌اند که درک متفاوتی از زمانه و زمینه جنسیتی انسان و جامعه‌ساز می‌کنند. با خودمختاری گفتمان جنسیتی، تأثیر آنها بر خرده‌نظام‌ها و نهادهای انسانی-اجتماعی نضج می‌گیرد و زمانی فرامی‌رسد که گفتمان جنسیت نه بخشی از گفتمان غالب که به خود این گفتمان مبدل می‌گردد. با گرفتن این گفتمان به مددغای عقل ابزاری تا حد عاطفه بواسطه تراکم پذیری موارث مادی و غیرمادی زندگی تاریخی آدمی و وضوح هزینه‌های تک‌روی‌های غیر مشارکتی رخ می‌نماید و همبرابری جنس-جنسیتی را در فضایی بی‌سالار الزام می‌آورد.